



خیلواکی

استقلال

www.esteqaal.net

دوشنبه ۱۳ اپریل ۲۰۲۶

شعر از: میرزا آقا عسگری "مانی"
ارسالی: فیروزه وفا

روان باش چون رود

نہالی نشانندیم در شوره زاری

زمانه سرآمد، نیاورد باری

چه پندار تلخ و چه تیره گمانی

که بر هیچ بستیم امیدواری

مرا دشمنان، دوستان جلوه کردند

تو را دوستان، دشمن رستگاری

تکیدیم چون تکیه بر غیر دادیم

چنین است فرجام بیگانه داری

به پیمانہ غیر، لب بردن آری

نشاید در آئین پرهیزگاری

ز حُم خانہ خویش سرمست باید

چنین باد آئین پیمانہ داری

اگر خود نپوئیم و گر خود نخیزیم

نخیزد از آئینہ هامان غباری

روان باش چون رود، بیدار و در خویش

بیآموز از رود، آموزگاری

تو را گوهری، گوهری داد طُرفہ

بشاید از آن نیک تر پاس داری!